



لزوم شناخت قوانین حسابداری و ارزش منصفانه در چهارچوب نظری

یک مبادله حقیقی، دارایی بین خریدار و فروشنده که به‌طور معمول از آن آگاه هستند و نسبت به آن رضایت دارند، معامله کرد.

IAS18 «اندازه‌گیری ارزش منصفانه درآمدها» را این‌گونه شرح داده است که

۱. مقدمه

اخیراً مفهوم ارزش منصفانه را می‌توان در مطالعات و استانداردهای حسابداری به‌کار گرفته شده FASB و IASC مشاهده کرد. ارزش منصفانه را می‌توان چنین تعریف کرد: «قیمتی که به واسطه آن بتوان در

ترجمه و تلخیص:



اکرم فیاض بخش



زهرا نظیفی



مجتبی ابراهیمی رومنجان



حفظ ارزش اسمی پول، علی‌رغم در نظر گرفتن تغییرات در قدرت خرید آن است. این اصل برگرفته از یک قانون فرانسوی است؛ قانون تجارت (۱ ژانویه ۱۹۸۴) اجازه اجرای بررسی ترازنامه‌ها را تحت شرایط خاص می‌دهد؛ استانداردهای IASC برای دارایی‌های مشهود (IAS16) و دارایی‌های نامشهود (IAS 38)، امکان تجدید ارزیابی منظم را برای تمام دارایی‌هایی که باید ارزش منصفانه آنها اندازه‌گیری شود، فراهم می‌کند و این در حالی است که FASB مانع این تجدید ارزیابی است. اندازه‌گیری ارزش منصفانه برخلاف اصل احتیاط است؛ به‌ویژه وقتی تغییرات ایجاد شده در ارزش، به‌طور مستقیم در سود ثبت شود. تکامل این اصول، سزاوار انجام تجزیه و تحلیل در ادبیات حسابداری برای یک برنامه گسترده‌تر است تا اصول پایه و اهداف ارزش منصفانه مشخص شود و نشان داده شود در کدام محیط مالی و اقتصادی ثبت شده است. چند نهاد استانداردگذاری حسابداری که کمابیش با هم هماهنگ هستند، سعی دارند به نتیجه شرایط ارزشگذاری جدید دست یابند.

۲. پیدایش ارزش منصفانه و استانداردهای

حسابداری در چهارچوب نظری

در چهارچوب نظری ایالات متحده این‌گونه آمده است: معمولاً در صورت‌های مالی، موارد، بر پایه ویژگی‌های مختلفی که به ماهیت، مربوط و قابلیت اتکاء بودن بستگی دارد، ثبت و برآورد می‌شود. FASB اذعان می‌دارد که پنج ویژگی یا معیار متفاوت در عمل برای ارزشگذاری دارایی‌ها و بدهی‌ها به‌کار گرفته شده است:

۱. بهای تمام شده تاریخی

۲. ارزش جاری یا ارزش جایگزین

«درآمدهایی که باید با ارزش منصفانه در معاملات کسب شده یا پیش‌رو اندازه‌گیری شوند»، مانع ارزیابی ارزش اسمی معامله خواهند بود. ارزش اسمی معامله باید بر مبنای روش حسابداری منصفانه با ماهیت حقوقی یک معامله و در ارتباط با مفاد اقتصادی آن باشد.

ارزیابی اولیه و تجدید ارزیابی‌ها و بدهی‌ها بدون در نظر گرفتن تغییر ارزش منصفانه بین دو دوره، بهای تمام شده تاریخی نامیده می‌شود که شامل

۳. ارزش بازار

۴. ارزش خالص بازیافتی

۵. ارزش فعلی جریان‌های نقدی

استانداردهای حسابداری نیاز به پایه ارزیابی واحدی ندارند. FASB نشان می‌دهد که صورت‌های مالی فعلی با استفاده از ارزیابی بهای تمام شده تاریخی تأیید شده است و دریافت‌اند، اگر بتوان آن را به‌عنوان پایه‌ای رضایت‌بخش برای فعالیت‌هایی مثل سهام، سرمایه مشهود و سرمایه نامشهود در نظر گرفت، برای آن دسته از دارایی‌ها و بدهی‌ها مانند حساب‌های مشتریان، تأمین‌کنندگان و تضمین تعهدات کمتر قابل استفاده است. این چهارچوب نظری نشان می‌دهد که از معیارها یا ویژگی‌های مختلف اندازه‌گیری استفاده خواهد شد و هیئت قادر به انتخاب ارزیابی شایسته در موارد خاص خواهد بود. FASB قانون ارزیابی دارایی‌ها و بدهی‌ها و هر ابزاری که در نظر گرفته شود را رد نمی‌کند. امکان استفاده از هر معیار ارزیابی را می‌توان به‌عنوان نزدیک‌ترین ابزار یا معامله بر طبق ویژگی‌های آن و بر مبنای معیارهایی مثل مربوط بودن و قابلیت اتکاء بودن دانست. منطقی نیست که بگوییم مفهوم ارزش منصفانه چهارچوب نظری حسابداری در ایالات متحده هر برنامه‌ای را متوقف می‌کند. یک استاندارد حسابداری در سال ۱۹۵۳، به‌صورت خیلی خاص به مفهوم ارزش منصفانه پرداخته است. بنا به استاندارد APB29 (هیئت اصول حسابداری) که در سال ۱۹۷۳ منتشر شده است، معاملات غیرپولی در حساب‌ها نشان می‌دهد که: «عموماً معاملات غیرپولی باید بر مبنای ارزش منصفانه دارایی‌ها (یا خدمات) باشد که براساس همان پایه‌ای است که معاملات پولی باید

آن به‌عنوان اساس بهای تمام شده تاریخی تعدیل شده که قادر نیستند برای مقابله با تأثیر تغییرات قیمت روی دارایی‌های غیر پولی عکس‌العمل نشان دهند، بهره می‌برند. IASC بیان می‌دارد که: «انتخاب معیارهای ارزیابی و مفهوم حفظ سرمایه مربوط به مدل حسابداری مورد استفاده برای تهیه صورت‌های مالی خواهد بود. مدل‌های مختلف حسابداری دارای درجات مختلف مربوط بودن و قابلیت اطمینان هستند. این چهارچوب برای تمامی مدل‌های حسابداری به کار می‌رود. در حال حاضر، قصد هیئت AISC به جز در شرایط استثنائی تعیین یک مدل خاص نیست، لیکن این برنامه منوط به تجدیدنظر در قالب تحولات جهانی است». با این حال اگر مفاد ارزشیابی چهارچوب نظری AISC با FASB یکسان نباشد، بسیار به آن نزدیک خواهد بود.

مؤسسه ارزشیابی منصفانه حسابداری آمریکایی نیز یک مدل ارزیابی احتمالی را مستثنی نکرده است. این نهاد بین‌المللی بزرگ دارای وسعتی کافی برای انتخاب یک مدل ارزیابی است. اولین استانداردهای بین‌المللی که مبین ارزش منصفانه هستند عبارتند از:

- IAS 16 (اکتبر ۱۹۸۱): این استاندارد به روش حسابداری دارایی‌ها مربوط است که به شرکت‌ها اجازه می‌دهد تا دارایی را «به مقداری که تجدید ارزیابی (یعنی ارزش منصفانه آن در تاریخ تغییر ارزش پول) کمتر از استهلاک انباشته در روز بعد باشد، تشخیص دهد. ارزش منصفانه معمولاً با ارزیابی ارزش بازار معین می‌شود، وقتی هیچ عاملی نشان دهنده ارزش بازار نیست، از ارزش جایگزین استفاده می‌شود».

- IAS 18 (ژوئن ۱۹۸۲): «درآمدی که به



ماهیت و محتوای معاملات، اسناد قانونی شرکت را بهتر منعکس کرد اما هنوز یک قانون کلی وجود ندارد. لذا مفهوم ارزش منصفانه چنین بیان می‌شود (قبل از سال ۱۹۹۰):

- عبارت است از یک روش ارزشیابی برای معاملات و ابزارهای خاص؛
- به‌عنوان مدلی برای ارزشیابی میزان استفاده از ابزارهای ارزشیابی در حساب‌های وارده شده اولیه؛
- بدین معنا است: «قیمت مورد توافق افراد».
- از معیارهای اندازه‌گیری زیر در ترکیب‌های مختلف صورت‌های مالی استفاده شده است:
- بهای تمام شده تاریخی؛
- بهای تمام شده تاریخی تعدیل شده (برحسب قدرت خرید واحد پول)؛
- ارزش بازیافتی (قانونی)؛
- ارزش جاری بر طبق چهارچوب نظری.

بهای تمام شده تاریخی عبارت است از معیار ارزیابی و برآورد مالیات که عمدتاً توسط شرکت‌ها برای تهیه صورت‌های مالی استفاده می‌شود. اکثر شرکت‌ها از

حفظ شود. ارزش پولی یک دارایی که در ازای معامله ارزی و سهامی برای دارایی‌های غیر پولی دیگر حاصل شده است، عبارت است از ارزش منصفانه دارایی که در آن معامله صرف شده است یا سود و زیانی که باید صرف شود. ارزش منصفانه در APB شماره ۱۶ که در سال ۱۹۷۰ مورد تأیید قرار گرفت. در بیانیه ۶۶ چنین بیان شده است که «یک دارایی که از طریق انتشار سهام جدید خریداری شده است، به ارزش منصفانه دارایی ثبت می‌شود؛ به عبارتی سهام منتشر شده ما به‌ازای ارزش منصفانه بازده و سود ناشی از سرمایه‌گذاری ثبت شده است». اشاره به این بیانیه مهم بود تا بتوان دریافت بررسی ارزش منصفانه به گروهی از دارایی‌ها و بدهی‌ها مربوط است یا خیر.

ارزش منصفانه در واژه‌نامه پیوست FAS67 که در اکتبر ۱۹۸۲ برای حسابداری مستمری بازنشستگی منتشر شده است، دیده می‌شود. هیئت در چهارچوب نظری بیان کرده است که ارزش منصفانه به‌عنوان پایه‌ای برای مناسب‌ترین ارزشیابی در موارد خاص به کار رفته است تا بتوان

ارزش منصفانه دریافتی یا قابل دریافت اندازه‌گیری می‌شود. وقتی کالا یا خدمات با کالا یا خدماتی که مشابه نیستند معاوضه می‌شوند، این نوع معامله نشان‌دهنده درآمدی است که به ارزش منصفانه کالا یا خدمات حاصله اندازه‌گیری می‌شود و به میزان پول نقد یا معادل پول نقد که منتقل شده است اشاره دارد. اگر نتوان ارزش منصفانه کالا یا خدمات را اندازه‌گیری کرد، درآمد به ارزش منصفانه کالا یا خدمات فروخته‌شده اندازه‌گیری می‌شود که با میزان پول نقد یا معادل پول نقد منتقل شده تطابق دارد.

IAS20 - (نوامبر ۱۹۸۲): «حسابداری کمک‌های بلاعوض دولت» و IAS 22 (ژوئن ۱۹۸۳)، «پروژه‌های سرمایه‌گذاری مؤسسات تجاری». در مرحله بررسی این دو استاندارد حسابداری، مفهوم «ارزش منصفانه» قبلاً در استانداردها ارائه شده بود. از این دو استاندارد برای حفظ تعریف

معادل «ارزش منصفانه» که به‌عنوان «قیمت پذیرفته‌شده توسط طرفین که به‌صورت توافقی وارد یک معامله با شرایط رقابتی عادلانه شده است» استفاده می‌شود.

۳. پیدایش ابزارهای مالی در کاربرد ارزیابی مدل ارزش منصفانه

ایالات متحده به سرعت، به پیدایش و توسعه اولین ابزارهای مالی آینده پرداخت که به تفصیل در اولویت استانداردهای حسابداری شرح داده می‌شوند. اولین معامله با استفاده از استاندارد «قرارداد آینده» در سال ۱۹۸۴ (SFAS80)، حسابداری برای قرارداد آینده) صورت گرفته است. FASB ارزیابی ارزش بازار که با توجه به درآمد شناخته می‌شود، مشخص کرده و از مفهوم ارزش منصفانه استفاده نکرد. این نظر را می‌توان با تفسیر منتشر شده در EITF ۱۹۸۸ در سایت‌های رهن و معاملات تأیید کرد.

متن نشان می‌دهد که چنین معاملاتی در ترازنامه در تاریخ مذاکرات مشخص نشده و در واقع شبیه به معاملاتی است که در ترازنامه، اصل معامله مشخص نشده است. در سال ۱۹۹۳، FAS 115 روشی از حسابداری را برای سهام قرضه دولتی خاص که مطابق با اصل ارزیابی اولیه و تجدید ارزیابی سهام قرضه دولتی یا وثیقه در ارزش منصفانه است نشان داده است. معامله اوراق بهادار (که برای رسیدن به سود سریع نگهداری می‌شوند) باید در ارزش منصفانه و تغییراتی که بلافاصله در درآمد حاصل می‌شود، اندازه‌گیری شود. سرمایه‌گذاری اوراق بهادار نیز به‌طور سیستماتیک شامل ارزش منصفانه برای ترازنامه می‌شود اما تغییرات آتی به‌عنوان جزئی مجزا از حقوق صاحبان سهام ثبت شده است. این تنها در صورتی قابل بررسی است که ارزیابی ارزش منصفانه به‌عنوان مدل ارزشیابی شناخته شود و



این به ترازنامه و اعتبار آن بستگی دارد. FASB در سال ۱۹۹۴ (FAS 119) به «اطلاعات ارائه شده به ارزش منصفانه مشتقات و ابزارهای مالی» که به انطباق سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان و دیگر ذینفعان که ارزش منصفانه را فقط برای بانک‌ها، کسب و کار و اطلاعات وابسته مفید می‌دانند، اختصاص داده است. چنین می‌توان بیان کرد که: «هدف این هیئت در پروژه‌های مربوط به ابزارهای مالی در سال ۱۹۸۶، توسعه استانداردها به منظور نشان دادن حسابداری و گزارشگری و دیگر موضوعاتی است که به ناچار در ابزارهای مالی مختلف و معاملات مربوط روی می‌دهد. با توجه به پیچیدگی سؤالات مربوط به حسابداری به ارزیابی این ابزارهای مالی هیئت تصمیم گرفت تا اطلاعات مالی ارائه شده در صورت‌های مالی، این ابزارها و معاملات را گسترش دهد». مفاد مندرج در FAS119 و الزامات

آن، که نشان دهنده ابزارهای مالی و ارزش منصفانه است، دستورالعملی نسبتاً قطعی را مشخص می‌کند که قبلاً در آن زمان توسط FASB به کار گرفته شده است. گفته می‌شود، بسیاری از مشکلات فنی دارای موانع سیاسی هستند که با به اجرا درآوردن مدل ارزیابی ارزش منصفانه مخالف بوده‌اند و تحت فشار شرکت‌ها و مؤسسات مالی قرار می‌گیرند.

در ژوئن ۱۹۹۸، FAS 133 تصویب شد که مدل ارزیابی ارزش منصفانه را تأیید می‌کند. این ارزیابی حسابداری که نیاز به همه مشتقات دارد، به جزء در حالتی که FASB تمام ابزارهای مالی را مشخص می‌کند، باید ارزش منصفانه مورد بررسی قرار گیرد.

اولین استاندارد مربوط به ابزارهای مالی IAS 25 است که در سال ۱۹۸۵ منتشر شده است. این استاندارد شامل تعاریفی مثل ارزش منصفانه است اما جالب است

بدانید ارزیابی سرمایه‌گذاری‌های جاری، هم در ارزش بازار و هم در تجدید نظر معاملات با ابزارهای مالی مورد نیاز است. این سرمایه‌گذاری‌ها تحت عنوان ابزارهای مالی ما مشخص نشده‌اند. IAS25 استاندارد نیست که ارزش منصفانه را به‌عنوان یک ارزشیابی حفظ کند. IAS32 که مورد تجدید نظر واقع شده است در ژوئن ۱۹۹۵ به چاپ رسید. IASC30 با ابزارهای مالی در ارتباط است. IASC در سال ۱۹۸۹، تصمیم به ارتباط با مؤسسه کانادایی حسابداران خبره گرفت تا به توسعه استاندارد در زمینه ابزارهای مالی دست یابد. اولین پیش‌نویس، E40 نامیده شد که در سپتامبر ۱۹۹۱ شروع به کار کرد. نظرات و انتقادات منجر به ارائه پیش‌نویس جدید با نام E48 شد که در ژانویه ۱۹۹۴ منتشر شده است. این پیش‌نویس روش‌های جدیدی را تحت عنوان زیر معرفی می‌کند:



۱. ابزارهای مالی پیچیده حسابداری که به ماهیت اجزای خود بستگی دارد؛

۲. شناسایی رویداد مالی و عدم تعادل به وسیله انتقال مزایا و مخاطرات؛

۳. ارزشیابی مرجع براساس هدف؛

۴. ارزشیابی تمام ابزارهای مالی به ارزش منصفانه به عنوان روشی جایگزین برای ورود و خروج ترازنامه با هدف انتخاب روش ارزیابی است.

در صورت عدم وجود اجماع کافی، IASC تصمیم دارد تا متن را به دو قسمت تقسیم کند:

۱. استاندارد که در مارچ ۱۹۹۵، IAS32 منتشر شده است و فقط با اطلاعات افشاء شده در ضمیمه قوانین ابزارهای مالی در ارتباط است.

۲. تصمیم به ایجاد یک کارگروه، به منظور توسعه استاندارد که با ابزارهای مالی مورد تأیید در ترازنامه‌ها و ارزیابی‌های مالی در ارتباط است.

این کارگروه جدید در مارچ ۱۹۹۷ برای اظهار نظر راجع به یک قانون، شروع به کار کرد که از ترویج ارزش منصفانه برای تمامی ابزارهای مالی حمایت می‌کند. حتی قبل از تمامی این نظرات و انتقادات که مورد بررسی قرار گرفته است. IASC با مخالفت شدید طرح‌های پیشنهادی خود که در وهله اول به سادگی استانداردهای آمریکایی را اتخاذ کرده بود، مواجه شد و سپس آن را انکار کرد و تصمیم گرفت تا:

۱. پیش‌نویس جدیدی از انتقال استاندارد در آپریل ۱۹۹۸ منتشر کند.

۲. در کارگروه بین‌المللی متشکل از نمایندگان مراجع استانداردگذاری عمده به منظور توسعه استاندارد بلند مدت (JSTC) شرکت کند. البته با آگاهی از این اصل که تمامی شرکت‌کنندگان

در صورت تمایل به فعالیت مستمر باید بپذیرند که تمامی ابزارهای مالی به ارزش منصفانه ارزیابی شود.

IAS، استاندارد ارزیابی ابزارهای مالی IAS ۳۹ را پس از ۶ ماه از انتشار آن توسط ۱۳۳ FASB FAS اتخاذ کرده است. بنابراین این بیانیه دامنه‌ای بسیار گسترده‌تر از استاندارد آمریکایی دارد. اگر از نظر قوانین مشتقات و ابزار موصون‌سازی عاری نباشد می‌توان آن را به صورت مشابه مورد بررسی قرار داد. با توجه به ابزارهای دیگر: اوراق بهادار، مطالبات، وام، بدهی، معاملات حسابداری شبیه به موارد استفاده شده در GAAP ایالات متحده است.

در نتیجه، مفهوم «ارزش منصفانه» در این مقاله به عنوان اصول ابزارهای مالی معرفی نشده است بلکه قبلاً وجود داشته است و به عنوان مبنایی برای ارزشیابی معامله فروش (فروش یک کالا یا خدمات که لزوماً بر ارزش فاکتور ثبت نشده و بنابراین برای ارزش اسمی یا ارزش منصفانه پرداخت در هر شکل باید دریافت شود) اتخاذ شده است. اندازه‌گیری ارزش منصفانه به نظر نمی‌رسد به عنوان پایه‌ای، برای مدل ارزیابی یا توافقی بررسی شده باشد و این تا حدی است که برای حسابداری سیستماتیک ابزارهایی در ارائه اولیه و آتی در ترازنامه‌ها به کار برده نشده است. ارزش منصفانه از سال ۱۹۹۸ جزو استانداردهای مدل ارزشیابی در ابزارهای مالی است و باید برای تعادل حسابداری ابزارهای خاص در ورودی اولیه و تاریخ‌های آتی اجباری شود.

۴. «ارزش منصفانه»: مزایا و معایب

«سودمندی براساس ارزش منصفانه» فقط منافع محدود دارد و بدون پاسخ به سؤال

درباره هدف استفاده از آن معنای واقعی پیدا نمی‌کند. آگاهی از یک قیمت در تاریخی خاص که خریدار قبول داده است را نمی‌توان انکار کرد. نقش ابزارهای مالی ارائه اطلاعات مفید برای انجام کسب و کار و اتخاذ تصمیم‌گیری‌های اقتصادی است نه تصمیم راجع به اینکه چه کسی باید این تصمیمات را بگیرد. سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان به‌طور کلی کاربران اصلی هستند که در روند تصمیم‌گیری‌ها کمک می‌کنند. در عین حال مدیران دارای اطلاعات و دانش بیشتری درباره کسب و کارشان هستند و می‌توانند کیفیت اطلاعاتی را که شما به آنها ارائه می‌کنید، افزایش دهند. IASC بیان داشته است که ارزش منصفانه به منظور ارائه ابزارهای مالی سودمند برای سرمایه‌گذاران معرفی شده است. مزایایی که به ارزش منصفانه نسبت داده می‌شود عبارتند از:

۱. قابلیت پیش‌بینی: «ارزش منصفانه» برای ارائه بهتر، اجازه می‌دهد تا نقدینگی آینده تا حدی که مقصود است، جریان یابد.

۲. سازگاری با مدیریت فعال مخاطرات مالی: اکثر شرکت‌ها به مدیریت ریسک نرخ بهره و قیمت حتی برای ابزارهای غیرقابل عرضه در بازار مثل معاوضه می‌پردازند و این با بهای تمام شده تاریخی در ارتباط نیست.

۳. احتساب ارزش کلی: یعنی با استفاده از بهای تمام شده تاریخی یا هر چیز دیگری، هیچ ارزشی محاسبه نمی‌شود. این اصل برای ابزارهای مالی خاص از جمله محصولات که به‌طور کلی نیاز به جریان مالی ندارند، به حساب نمی‌آید. استفاده‌کنندگان نمی‌توانند آنها را در ارزیابی جریان نقدینگی



۱. **نوسانات:** نوسانات حاصل از ارزش منصفانه همیشه منعکس کننده تغییرات واقعی براساس وقایع شرکت نیست و دقیقاً واقعیت معاملات و موقعیت مالی را منعکس نمی‌کند.

۲. **عدم معاملات پایگاه داده:** تاحدی که همیشه بر مبنای معاملات واقعی شرکت نیست.

۳. **هزینه تعیین ارزش منصفانه** به‌منظور سرعت و دقت، چون ارزش منصفانه فاقد اطلاعات مؤثر بر تحولات کسب و کار در بازار هستند، ممکن است عدم اطمینان افزایش یابد و باعث تحریف در قیمت‌ها شود و منبع قیمت در هزینه سرمایه برای یک شرکت شود. اگر چنین باشد، مقالات بسیاری در مورد ارزش منصفانه با اختلافات موجود در

ارائه ارزش‌های قابل مقایسه ابزارهای مالی صرف‌نظر از تاریخ ورودی آنها را به حساب‌ها می‌دهد. مدیریت فعال ریسک قیمت، از مشتقات برای جلوگیری از افت ارزش دارایی و افزایش بدهی استفاده می‌کند. ارزش منصفانه به ما اجازه بررسی این واقعیت را در صورت‌های مالی می‌دهد.

۷. **بی‌طرفی:** «ارزش منصفانه» که با اشاره مستقیم به ارزش بازار یا در نبود یک بازار فعال با اشاره به مدلی بر مبنای پارامترهای داده خارجی مشخص می‌شود، به‌عنوان ارزشی «بی‌طرف» خواهد بود و تحت تأثیر شرکت واقع نمی‌شود.

محدودیت‌ها و معایب ارزش منصفانه عبارتند از:

آتی به‌حساب آورند. این عدم وجود صورت‌های مالی با پیدایش «ارزش منصفانه» برطرف می‌شود.

۴. **عملکرد حساب‌ها:** ارزش منصفانه بر مبنای وجود یک معامله نیست. به عبارت دیگر، فقط معاملات در بهای تمام شده تاریخی ثبت شده است. «ارزش منصفانه» به ارزش تصمیم شرکت افزوده و اجازه ذخیره‌سازی می‌دهد، برای مثال: یک یا چند ابزار مالی دیگر.

۵. **کاهش پیچیدگی:** پیاده‌سازی برای ابزارهای مالی کوتاه‌مدت و ابزارهای مالی بلندمدت ذکر شده، راحت است و از ارزش منصفانه به‌عنوان بخشی از مدیریت فعال ریسک قیمت استفاده می‌کند.

۶. **مقایسه‌پذیری:** «ارزش منصفانه» اجازه

سیستم‌های حسابداری و فعالیت‌های آنها در ارتباط است:

- اصول قدیمی بر مبنای اولویت نیاز به شرکت‌های صنعتی (ابزارهای مالی اهمیتی ندارند)؛
- عدم مسئولیت محصولات (در انبار)
- بی‌ربط بودن بهای تمام شده تاریخی به تفسیر مدیریت صادقانه و فعالانه مخاطرات مالی که به‌طور فزاینده‌ای غالباً توسط تمامی شرکت‌ها انجام می‌شود.
- هیچ شیوه مشخص و قانع‌کننده‌ای به‌عنوان نشان‌های واضح در ضمایم برای اندازه‌گیری ارزش منصفانه دارایی‌ها و بدهی‌ها وجود ندارد و این به خاطر عدم منابع مناسب اطلاعات است.

۵. نتیجه‌گیری

حسابداری ارزش منصفانه که جایگزین مدل بهای تمام شده تاریخی است، به‌طور ضمنی از طرف هیئت FASB در ایالات متحده و IASB پشتیبانی می‌شود. اعتقاد بر این است که:

- هر محصول جدید باید قبل از اینکه به بازار عرضه شود مورد آزمایش قرار گیرد؛
- مزایا، معایب، خطرات و هزینه آن باید از پیش تعیین شود و از طریق جوامع مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد؛
- پذیرش توسط تمامی استفاده‌کنندگان و ذینفعان که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیرند؛ استفاده از آن نیز باید رضایت عمومی را جلب کند. تأثیر آن بر مدیریت کسب و کار به‌گونه‌ای است که بسیاری از مدیران کسب و کار را دیگر کاربران صورت‌های مالی، آن را به‌عنوان ابزار مدیریت و گزارشگری مالی

قبول نمی‌کنند. این مقاله پیشنهاد می‌کند تا به مطالعه دلایل اهمیت ابزارهای مالی در شکل فعلی پرداخته شود. برای رسیدن به هدف و مقصود باید تجدیدنظر قابل توجهی صورت پذیرد. این مقاله «ارزش منصفانه» را مناسب‌ترین مقیاس ارزشیابی برمی‌شمارد:

- معاملاتی برای موفقیت، زیرا نشان‌دهنده واقعیت است؛
- مشتقات در تاریخ مذاکرات (که تنها نتیجه گفتار بالاست)؛
- تمامی ابزارها برای سرعت بخشیدن به کار شرکت‌ها ذکر شده.

این به‌عنوان مدلی برای ارزیابی‌های اولیه، دارایی‌ها و بدهی‌های آتی شرکت‌ها اثبات نشده است. نوسانات برای بررسی عملکرد شرکت طی یک سال یا مدت کمتر معرفی شده‌اند و در حقوق صاحبان سهام قطعاً منعکس‌کننده واقعیت‌های اقتصادی خواهد بود. از این نتایج برای ایجاد موفقیت در فعالیت‌های عملی و توافقی بهره گرفته می‌شود. ■

منبع:
Cristea, Valentin Gabriel. (2015). The Necessity to Introduce The Accounting Rules And Fair Value in The Conceptual Framework, Procedia Economics and Finance, 4th World Conference on Business, Economics and Management, WCBEM, N 26 , pp 515 – 521

مجتبی ابراهیمی رومنجان: عضو هیئت علمی و مدیر گروه کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد فردوس
زهرا نظیفی: کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد فردوس، عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، فردوس، ایران
اکرم فیاض بخش: کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد

